

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی زنان و تقسیم کار خانگی؛ نمونه مورد مطالعه:

زنان متاهل شهر جیرفت

طاهره رئیسی (کارشناس ارشد علوم اجتماعی؛ نویسنده مسؤل)

raisi.tahereh2@gmail.com

علی اصغر مقدس (دانشیار جامعه شناسی، دانشگاه شیراز)

moqadas@rose.shirazu.ac.i

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه سرمایه های اجتماعی زنان و الگوی تقسیم کار در خانواده است. در ابتدا مطالعات انجام شده و سپس نظریه های مرتبط با موضوع بررسی شده اند. مقاله حاضر با استفاده از نظریه سرمایه اجتماعی بر روی 400 نفر از زنان متاهل شهر جیرفت¹ تقسیم کار خانگی را مورد مطالعه قرار داده است. برای جمع آوری اطلاعات از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز با شیوه نمونه گیری خوشه ای مرحله ای به دست آمده است، نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که به ترتیب متغیرهای ساخت قدرت، تعداد فرزندان، درآمد پاسخگو و سرمایه اجتماعی به طور کلی 21/5 درصد تقسیم کار خانگی را تبیین می کنند. کلیدواژه ها: سرمایه اجتماعی، زنان، کار خانگی، خانواده.

مقدمه

نقش نگرش های جنسیتی به عنوان یک عامل تعیین کننده در اینکه افراد چگونه در تقسیم کار خانگی² مشارکت می نمایند یکی از موضوعات مورد بحث از دهه های گذشته تاکنون

1- جیرفت شهری است در استان کرمان. این شهر مرکز شهرستان جیرفت است. جمعیت شهر جیرفت بنا بر سرشماری سال 1385 مرکز آمار ایران، برابر 108000 نفر است.

2- Household Work Division

بوده است (اکوک و واکر^۱، 2004). مطالعه تقسیم کار خانگی به مباحثی همچون قدرت^۲ در خانواده و نابرابری جنسیتی^۳ دامن می زند. در عصر جهانی شدن برخی مفاهیم فرهنگی از جمله حقوق زنان به مفاهیمی عام و جهان شمول مبدل شده اند. این گفتمان ها در سطح خرد به شکل تساوی گرایی بین زن مرد و تلاش در جهت رفع نابرابری جنسیتی در می آید (میسون و اسمیت^۴، 2003؛ دیفن باخ^۵، 2002). شواهد مختلفی نشان دهنده آن است که داشتن منابعی چون تحصیلات، اشتغال و یا درآمد زنان در خارج از خانه می تواند اثر مثبتی در تقسیم کار خانگی و تغییر جایگاه زنان به همراه داشته باشد (کلتین^۶، 2000). در واقع تحولات اخیر و تلفیق جامعه سنتی و جدید، در کشورمان، باعث تغییر وضعیت حقوقی، اقتصادی و اجتماعی زنان شده و مسائل تازه ای را در خانواده ها ایجاد کرده است. چرا که زنان دیگر به تعریف ها و الگوهایی که در گذشته از نقش های زنانگی وجود داشت بسنده نمی کنند و نقش های جدیدی را برای خود انتظار دارند. به عبارتی آگاهی زنان نسبت به تحولات در سطح جهان و موقعیت سایر زنان در جوامع دیگر بر آگاهی آن ها و موقعیت شان در خانواده و جامعه و همچنین انتظارات شان اثر داشته است (رویانیان^۷، 2003؛ بنریا^۸، 2001) هک همین مساله باعث شده است زنان بیش تر از گذشته به دنبال کسب جایگاه ها و سرمایه های اجتماعی باشند. علیرغم این واقعیت که مردان و زنان گروه های مختلف برای به دست آوردن و توسعه سرمایه اجتماعی خود راه های متفاوتی در پیش رو دارند، اما این واقعیت است که مسائل جنسیتی در تحقیقات سرمایه اجتماعی کم تر مورد توجه قرار گرفته است (بزانسون^۹، 2006). در این پژوهش بعد از سنجش میزان سرمایه اجتماعی زنان و چگونگی تقسیم کار در

1- Acock & Walker

2-Power

3- Gender Inequality

4- Mason & smith

5- Diefenbach

6- Coltane

7- Royanian

8- Beneria

9- Bezanson

خانواده‌های شان، رابطه این دو متغیر مورد بررسی قرار گرفته است. چرا که سنجش میزان سرمایه اجتماعی زنان در خانواده می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای جایگاه آن‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی باشد.

در پژوهش حاضر، با توجه به فرهنگ جامعه آماری که جامعه‌ای کوچک و محدود است منظور از دموکراتیک بودن تقسیم کار آن‌طور که مد نظر محقق است به صورت زیر می‌باشد: منظور مشارکت مردان در انجام کارهای خانگی است و نه تقسیم مساوی کارهای منزل بین زن و مرد، چون در بعضی از جوامع با توجه به فرهنگ خاصی که دارند ممکن است کارها بین زن و مرد مساوی تقسیم شود، اما انجام بعضی از کارهای خانگی توسط مردان باعث کسر شان آن‌ها شود و در نتیجه چنین تقسیم کاری منصفانه یا دموکراتیک نباشد، بنابراین در این پژوهش، منظور از تقسیم کار دموکراتیک، تقسیم کارها به صورتی است که باعث کسر شان مردان نشود. در واقع مشارکت مردان در انجام کارهای خانگی مد نظر است.

مروری بر ادبیات تحقیق

منصوریان و قادری (1374) پژوهشی به نام «ساخت قدرت در خانواده» در شهر شیراز انجام داده‌اند، در این تحقیق الگوی تقسیم کار تحت تاثیر میزان تحصیلات زن، وضعیت اشتغال او و سن شوهر بوده است. مطالعه خواجه نوری (1386) با عنوان «تاثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار» نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای آگاهی نسبت به فرایند جهانی شدن، تصمیم‌گیری در خانواده، مشارکت سیاسی، شیوه زندگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه‌های فرهنگی سهم زیادی در تبیین متغیر وابسته یعنی تقسیم کار داشته‌اند.

پژوهشی توسط کولیک (2002) در خصوص روابط قدرت بین زن و شوهر انجام شده است، یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد که متغیرهایی نظیر منابع در اختیار فرد، مشارکت عاطفی همسران، و عوامل زمینه‌ای، روابط قدرت در خانواده را شدیداً تحت تاثیر قرار می‌دهد. به این معنا که هرکدام از زوجین منابع و فرصت‌های اجتماعی-اقتصادی بیش‌تری داشته باشند به‌تر می‌توانند از آن برای اعمال قدرت در برابر دیگری استفاده کنند. در همین

خصوص پژوهش دیگری توسط لاوی و کاتز (2002) تحت عنوان «تقسیم کار، رعایت عدالت و کیفیت ازدواج» انجام شده است. آن‌ها در این تحقیق بر رابطه شیوه جامعه پذیرکردن زن و سهم او از توزیع قدرت اشاره دارند و نتیجه تحقیق خود را چنین گزارش کرده اند که ارزش‌ها و هنجارهایی که زن در فرآیند جامعه پذیری درونی کرده است، شیوه عملکرد وی را در فرآیند قدرت پیش بینی می‌کند.

گاتسو-وین دل و مک مولین (2003) با استفاده از مدل پدر سالاری و ایدئولوژی جنسیتی، پژوهشی تحت عنوان «تبیین نابرابری جنسیتی در توزیع قدرت درون خانواده در کشور کانادا» انجام داده اند و معتقدند الگوهای کار در خانه، انعکاس باورهای فرهنگی یا فضاهای جداگانه وظایف یا مسوولیت‌ها است. زیپ و همکاران (2006)، تحقیقی تحت عنوان «روابط زن و شوهر و قدرت مخفی در ازدواج» انجام دادند. یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان داد که حتی اگر زنان درآمد بیشتری از شوهران خود داشته باشند، این زنان هستند که با راهکارهای شوهران خود بیش تر موافقت نشان می‌دهند.

چارچوب نظری تحقیق: (نظریه های سرمایه اجتماعی)

اولین بار واژه سرمایه اجتماعی توسط هنی فن که در آموزش و پرورش ایالت ویرجینیای آمریکا خدمت می‌کرد به کار برده شد (وولکاک و نارایان، 1999). او معتقد بود که سرمایه اجتماعی به ابعادی مانند حسن نیت، رفاقت، دوستی و همدردی، داد و ستد میان افراد و خانوارها اشاره دارد. او برداشتی محدود از مفهوم سرمایه اجتماعی داشته و آن را تنها در قالب روابط درون گروهی مورد توجه قرار داده است.

به نظر جیمز کلمن کنشگران به رویدادهایی که تحت کنترل کنشگران دیگر است علاقه دارند و همین مساله باعث ایجاد روابط اجتماعی می‌گردد که در طول زمان تا اندازه ای پایدار می‌ماند (کلمن، 1372). از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی: شبکه‌ها، هنجارها، و اعتمادی است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به طور موثرتری با هم دیگر کنش داشته باشند و اهداف مشترک شان را پیگیری کنند (پاتنام، 1996: 56). او با تاکید روی هنجارهای مشارکت

مدنی اضافه می کند که این منابع (شبکه ها، هنجارها و اعتماد) در جوامع مدنی خصیصه خود تقویت کننده دارند و باعث ارتقای همکاری، مشارکت مدنی، اعتماد متقابل و رفاه اجتماعی می گردند و در جوامع غیر مدنی به خاطر نداشتن توان خود تقویتی باعث تقویت عهدشکنی، بی اعتمادی، بهره کشی، انزوا و رکود می گردد (پاتنام، 1380:300). وی این خصیصه خود تقویت کنندگی را ناشی از چرخه ای می داند که در منابع سرمایه اجتماعی وجود دارد. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به مجموعه ای از ارتباطات افقی و وجوه گوناگون سازمان های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه ها اطلاق می شود که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارایی جامعه را افزایش می دهند.

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی «مجموعه هنجارهای سیستم های اجتماعی است که موجب ارتقاء سطح همکاری اعضای آن سیستم گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می گردد» (فوکویاما، 1999). در نظر فوکویاما حوزه و دامنه تاثیر این هنجارها در سطح خرد از تعاملات موجود بین دو دوست تا تعاملات بین کشورها، در سطح کلان، متغیر است. وی در مدل خود برای بررسی سرمایه اجتماعی به جزء هنجارها و ارزش های مشترک متغیرهای مستقل واسطه ای مانند انسجام داخلی گروه، اعتماد متقابل در گروه، داشتن ارتباط موثر با گروه های دیگر، شعاع اعتماد و انسجام گروهی را در نظر می گیرد تا نشان دهد تا برای تقویت سرمایه اجتماعی تنها منابع درون گروهی، یا محدود کافی نیست و باید به منابع بیرون از گروه یا سرمایه اجتماعی ارتباطی نیز توجه کرد.

وولکاک و نارایان برای بررسی سرمایه اجتماعی آن را در سه بعد درون گروهی، بیرون گروهی و ارتباطی مورد ارزیابی قرار می دهند. سرمایه اجتماعی محدود به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار هستند. در این بعد از سرمایه اجتماعی بر منابع شخصی محدود مثل پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تاکید می گردد. این نوع سرمایه دو کارکرد اصلی می تواند داشته باشد، یکی اینکه مانند چسب اجتماعی همبستگی اجتماعی را تقویت می کند، دیگر اینکه بده بستان های خاص درون گروهی را تقویت می کند.

سرمایه اجتماعی برون گروهی به آن نوع از ارتباطاتی اشاره دارد که در بین افراد به جای اتکا به نزدیکی های شخصی و هویت مشترک، بر علایق مشترک متکی است. نموده های عمده این نوع از سرمایه را می توان در شبکه های اجتماعی و عضویت در انجمن ها و گروه های غیر محلی مشاهده نمود (آن هیشایر، لیز آیرس و کارن هیلی، 2003).

سرمایه اجتماعی ارتباطی به طور اخص بر پیوندهای اجتماعات و افراد با قدرت رسمی اشاره دارد و بطور اعم به ارتباطات بین افراد و گروه هایی اشاره دارد که در ساختار قدرت موقعیت های متفاوتی را اشغال می کنند. این نوع پیونده در ارتباط با اعتماد به حکمرانی و نظام های کارشناسی هستند. بنابراین سرمایه اجتماعی برون گروهی از طریق شبکه های اجتماعی و عضویت در انجمن ها و گروه های غیر محلی، اتصال به منابع خارجی و دسترسی به اطلاعات را برای زنان به ارمغان آورد. همچنین زنان از طریق بده بستان های خاص درون گروهی که محصول سرمایه اجتماعی درون گروهی است به پشتیبانی و تفاهم متقابل به عنوان یک نوع سرمایه مجهز می شوند، در نهایت سرمایه اجتماعی ارتباطی به پیوندهی شخصی و غیر شخصی میان افراد گفته می شود که منابع حمایتی و اطلاعاتی را در اختیار زنان قرار می دهد.

سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو نیز، به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می شود که فرد می تواند در جامعه به صورت انتسابی یا اکتسابی به آن دست یابد و از آن در روابط اش با سایر افراد و گروه ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره برد. بوردیو با ترکیب نظرات مارکس در مورد مفاهیمی مثل طبقه و ابزار تولید و نظرات ماکس وبر درباره موقعیت گروهی و مفهوم سیاست، تحلیلی جدید درباره طبقه و سرمایه ارائه می دهد. او میان چهار نوع سرمایه تمایز قائل است:

- 1- سرمایه اقتصادی¹: پول یا ابزارهای مادی که جهت تولید کالا و خدمات قابل استفاده است.
- 2- سرمایه اجتماعی: موقعیت ها و روابط در گروه بندی ها و شبکه های اجتماعی.

1- Economic Capital

3- سرمایه فرهنگی¹: مهارت های بین شخصی غیررسمی مثل عادت ها، رفتارها، سبک- های کلامی، ذائقه ها و شیوه های زندگی.

4- سرمایه نمادین²: استفاده از نمادها جهت مشروعیت بخشیدن به برخورداری از سطوح متنوع و اشکال دیگر سرمایه (ترنر، 2003).

شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله تبدیل به پول می شود. مانند دارایی های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد، مانند تحصیلات عالی اعضای سازمان که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل است که به واسطه مزیت پایدار شبکه ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی های متقابل، به افراد یا گروهها تعلق می گیرد (راعی، 1385).

این سرمایه ها در مجموع یک سرمایه کل را برای هر فرد در گروه اجتماعی می سازد که موقعیت آن ها را در جامعه مشخص می کند. در واقع سهم افراد از شکل های ویژه سرمایه، تبیین کننده سهم آن ها از سایر اشکال سرمایه موجود در جامعه است (گروسی، 1385). ساختار طبقاتی هر جامعه متأثر از نحوه توزیع این چهار سرمایه است. به این ترتیب طبقه غالب از بیش ترین میزان سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین برخوردار است. طبقه متوسط به میزانی کمتر و طبقات پایین کم ترین سهم را از این چهار نوع سرمایه دارند. در درون طبقات اجتماعی دسته بندی هایی به چشم می خورد که در ترکیب و شکل سرمایه و ریشه اجتماعی شان با یکدیگر تفاوت دارند. هر دسته و گروهی برای ورود مبارزه طبقاتی و کنترل منابع موجود در ابتدا باید سرمایه اجتماعی اش را جهت شکل دهی به گروهبندی ها و شبکه های روابط بسیج کند، اما توانایی آن توسط اشکال دیگر سرمایه متعلق به او محدود

1- Cultural Capital
2- Symbolic Capital

می‌گردد. در توزیع کلی سرمایه اجتماعی (گروه‌ها و عضویت‌های سازمانی، پیوندهای شبکه‌ای، روابط اجتماعی و مانند آن) ارتباطی تنگاتنگ با دیگر انواع سرمایه دارد (ترنر، 2003).

در نظریه سرمایه اجتماعی بوردیو مباحثی است در خصوص این که افراد از سرمایه‌های اجتماعی که در جامعه به دست می‌آورند می‌توانند برای پیش برد موقعیت خود در روابط شان با افراد دیگر بهره ببرند. در توضیح این مطلب می‌توان گفت در خانواده‌ها نیز وقتی هرکدام از زن یا شوهر سرمایه اجتماعی به دست می‌آورند، این سرمایه‌ها می‌توانند ابزاری برای پیشبرد موقعیت و اهداف آن‌ها در خانواده باشند.

بوردیو مفاهیم سرمایه را به بحث نابرابری پیوند می‌زند و به نقش اختلاف افراد در سرمایه‌های موروثی (اقتصادی) و غیر موروثی (فرهنگی) اشاره می‌کند. توجه بوردیو به وجود نابرابری جنسیتی در جامعه از بحث‌های جالب توجه اوست. بوردیو معتقد است نابرابری جنسیتی بعضاً غیر قابل مشاهده است، این نابرابری توسط بازی قدرت احاطه شده و تحت سلطه درآمده است. که در اینجا ما ایده بوردیو را در مورد نابرابری‌های جنسیتی در برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی و به تبع آن نابرابری در قدرت را در مورد جامعه‌ای کوچک تر یعنی خانواده و روابط بین زن و شوهر فرض کردیم. با این توضیح که اگر هر کدام از زن و شوهر در کسب سرمایه‌های اجتماعی و منابع ارزشمند بر دیگری پیشی بگیرد، می‌تواند از این منابع و سرمایه‌های اجتماعی برای پیش برد موقعیت و اهداف خود از آن‌ها استفاده کند.

با توجه به سوال تحقیق می‌توان چنین فرض کرد که بین گروه‌های مختلف زنان هم در مورد برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی تفاوت وجود دارد. که در این تحقیق تاثیر سرمایه‌های اجتماعی زنان بر سهم آن‌ها از توزیع قدرت در خانواده در نظر گرفته شده است. در کنار متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، متغیرهای جمعیتی مثل سن، میزان تحصیلات، درآمد و... مورد

بررسی قرار گرفت. جهت سنجش سرمایه اجتماعی آن را به سه بخش سرمایه اجتماعی درون گروهی، سرمایه اجتماعی برون گروهی، و ارتباطی تقسیم کردیم. این کار در تحقیق غفاری و اتق (1385) که از دیدگاه وولکاک و نارایان (1999) الهام گرفته است، نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

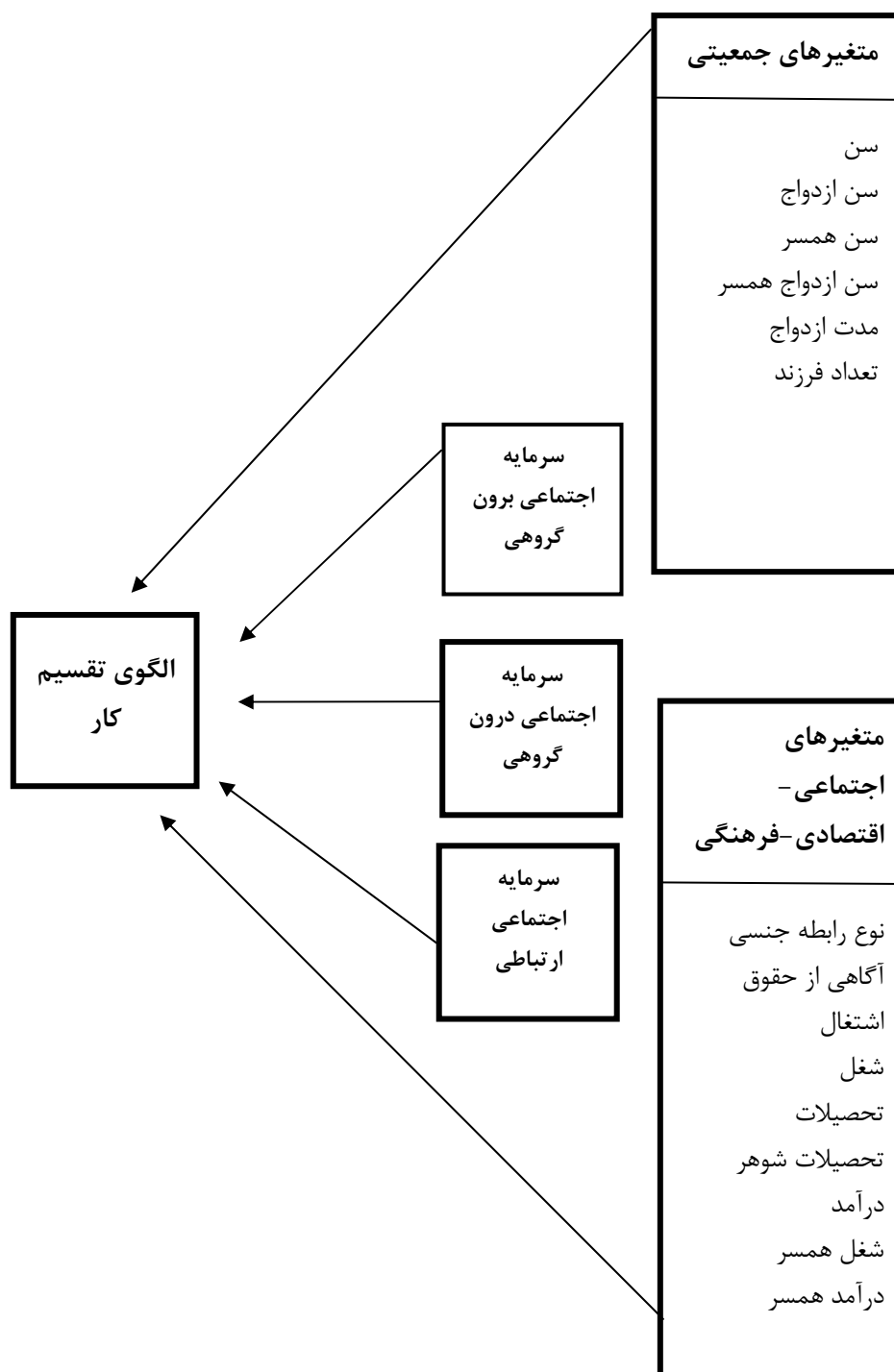
فرضیه مطالعه‌ی حاضر نیز این است که کسب سرمایه های اجتماعی توسط زنان می‌تواند باعث تغییر در موقعیت آن‌ها در خانواده و تغییر در چگونگی توزیع نقش‌ها باشد، به این معنا که سرمایه های اجتماعی به عنوان فرصتی برای زن عمل می‌کنند که بتواند از آن به نفع خود در خانواده استفاده کند.

فرضیه های تحقیق

- بین میزان سرمایه های اجتماعی زنان و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه وجود دارد.
- بین آگاهی زنان از حقوق خودشان و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین وضعیت اشتغال زنان و تق چگونگی سیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین ساخت قدرت در خانواده و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین تحصیلات پاسخگو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه وجود دارد.
- بین تحصیلات همسر پاسخگو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه وجود دارد.
- بین میزان درآمد پاسخگو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین متغیرهای جمعیتی و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.

- بین نوع رابطه جنسی پاسخ گو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.

نمودار 1. مدل تجربی تحقیق



تعریف مفاهیم

الگوی تقسیم کار در خانواده

الگوی تقسیم کار میزان مشارکت همسران پاسخ گویان در انجام کارهای منزل است. این متغیر در سطح فاصله ای سنجیده شده، و شامل مولفه های زیر است: 1- پخت و پز 2- رفت و روب منزل 3- خرید روزمره 4- نگهداری از بچه ها 5- نگهداری از سالمندان 6- نظارت بر تکالیف بچه ها 7- شرکت در مراسم اولیا و مریبان 8- پرداخت پول تو جیبی به بچه ها

سرمایه اجتماعی

وولکاک و نارایان با استفاده از دیدگاه هم افزایی برای بررسی جامع تر سرمایه اجتماعی آن را در سه بعد مورد ارزیابی قرار می دهند (آن همپشایر، لیزآیرس و کارن هیلی، 2003). این ابعاد عبارتند از:

1- سرمایه اجتماعی محدود یا درون گروهی؛ این شاخص از سرمایه اجتماعی به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار هستند. در این بعد از سرمایه اجتماعی بر منابع محدود مثل پیوندهای خانوادگی و پیوند های دوستی نزدیک تاکید می گردد. نموده های عمده این بعد از سرمایه ی اجتماعی را می توان در شبکه های محلی و خویشاوندی مشاهده نمود. در پژوهش حاضر این شاخص شامل مولفه هایی نظیر رفت و آمد با اقوام درجه یک و میزان اعتماد به آنها، رفت و آمد با اقوام درجه دو و دوستان و میزان اعتماد به آنها، ارتباط با هم محله ای ها و اعتماد به آنها، میزان احساس امنیت و آرامش در محله ای که افراد در آن زندگی می کنند، میزان امانت داری انصاف و صداقت در محله، میزان احساس مسوولیت افرا محله نسبت به یکدیگر را در بر می گیرد، ضریب آلفای کرونباخ این شاخص از سرمایه اجتماعی با 13 گویه 0/916 است.

2- سرمایه اجتماعی برون گروهی؛ نمودهای عمده این بعد از سرمایه اجتماعی را می-توان در شبکه های اجتماعی و عضویت در انجمن ها و گروه های غیر محلی مشاهده نمود. از جمله میزان اعتماد اجتماعی مانند اعتماد به نهادها و اصناف مختلف، میزان مشارکت اجتماعی و فعالیت های سیاسی مثل (شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، شورای شهر، و انتخابات مجلس شورای اسلامی)، میزان فعالیت در انجمن های اجتماعی نظیر موسسه های قرض الحسنه، تیم های ورزشی، انجمن های خیریه و انجمن های علمی و ... در پژوهش حاضر ضریب آلفای سرمایه اجتماعی برون گروهی با 11 گویه 0/671 شده است.

3- سرمایه اجتماعی ارتباطی؛ سرمایه اجتماعی ارتباطی به طور اخص به پیوندهای اجتماعات و افراد با قدرت رسمی اشاره دارد که در ساختار قدرت موقعیت های متفاوتی را اشغال می کنند. این نوع پیوندها در ارتباط با اعتماد به حکمرانی و نظام های کارشناسی هستند (استون و هیوجز، 2004). این شاخص از سرمایه اجتماعی شعاع ارتباطات (رفت و آمد های خانوادگی، شرکت در مجالس دوستان و آشنایان) و نوع ارتباطات (بده بستان پول، وسایل زندگی، مشورت با اطرافیان) و غیره را در بر می گیرد. در پژوهش حاضر نیز منظور از سرمایه اجتماعی، موقعیت ها و روابط موجود افراد در گروه های خانوادگی، دوستی و گروه های اجتماعی است، که از جمع نمرات پاسخ گویان از سنجه های سرمایه اجتماعی برون گروهی، سرمایه اجتماعی درون گروهی، به دست آمده است.

نوع روابط جنسی

به منظور پیدا کردن شناخت تاریخی اشکال برقراری روابط جنسی، می توان به مراحل تحول خانواده از دیدگاه مورگان و انگلس اشاره نمود. در نظریات این دو، اشکال برقراری روابط جنسی از مبادلات جنسی بدون مانع و ممنوعیتی (هرج و مرج اولیه جنسی) تا برقراری روابط به صورت تک همسری، از اشکال پست تر به شکل عالی تر متحول شده است (میشل، 1354: 24-9).

در انسان شیوه ی ارضای نیازهای زیستی و نحوه برخورد با آن ها، در میان و درون فرهنگ های مختلف، متفاوت دارد (گیدنز، 1373: 61). گیدنز در بحث از جنسیت و تمایلات جنسی نتیجه می گیرد که بسیاری از تفاوت های میان زنان و مردان دارای منشا زیست شناختی نیستند و بیش تر به

تفاوت های روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی در بین زنان و مردان مربوط می شود (گیدنز، 192:1379).

همچنین گیدنز در بحث از تجاوز جنسی نتیجه می گیرد که ارتباط چندانی میان شهوت و تجاوز جنسی وجود ندارد و این امر را نتیجه میل جنسی لبریز شده نمی داند، بلکه آن را نتیجه پیوندهای میان تمایل جنسی و احساس قدرت و برتری می داند (همان: 221).

در پژوهش حاضر نوع روابط جنسی چنین تعریف می شود: ماهیت روابط جنسی پاسخگو با همسرش، که در این جا این متغیر، به دو نوع فعالانه و منفعلانه تقسیم شده است. رابطه جنسی فعالانه رابطه ای است که پاسخ گو در پذیرش و انتخاب آن سهم دارد و لذت جنسی او نیز در نظر گرفته می شود، اما رابطه جنسی منفعلانه، به پاسخ گو تحمیل می شود.

شغل

مجموعه کارهایی است محدود، مشخص و مستمر که برای تولیداتی، خدماتی برای به دست آوردن سود، مزد یا حقوق منظمی انجام می گیرد و به وسیله آن امرار معاش و گذران زندگی و یا تجمع سرمایه امکان می پذیرد (گرینت، 1382). با این تعریف فعالیت های بدون درآمد و سود مانند خانه داری، دانشجویی، سربازی و نظایر این ها در تعریف شغل نمی گنجد. در پژوهش حاضر بر اساس جواب های پاسخ گویان متغیر نوع شغل به چهار قسمت (آزاد، کارگر، کارمند، و مشاغل مدیریتی و بالا) تقسیم شد. به این صورت که در قالب یک سوال باز از پاسخ گو خواسته شده است که نوع شغل خود را ذکر کند. که بر اساس پاسخ های آن ها منظور از شغل آزاد کسی است که خودش صاحب کار است و کارفرمایی ندارد، مانند کسبه و بازاریان. و کارگر کسی است که خودش صاحب کار نیست و برای دیگری کار می کند، مانند فروشنده های مغازه ها و افرادی که کارهای یدی مانند کارگری در ساختمان ها و نظیر آن را انجام می دهند.

وابستگی عاطفی به همسر

بلا در نظریه منابع اشاره می کند که وابستگی عاطفی زوجین به یکدیگر، به عنوان یک منبع ارزشمند و در دسترس زوجین، در توزیع قدرت تصمیم گیری در خانواده نقش مهمی

دارد (ریتزر، 1979). در پژوهش حاضر منظور از «وابستگی عاطفی به همسر»، وابستگی عاطفی، یا اصطلاحاً میزان عشق هر یک از زن و شوهر نسبت به همسرش است. به این معنا که کدام یک از زن و شوهر از نظر عاطفی بیشتر به همسر خود وابسته، یا اصطلاحاً عاشق تر است. این متغیر در سطح اسمی سنجیده شده است.

زیبایی و جذابیت زن برای همسر

بلا در نظریه منابع اشاره می کند زیبایی و جذابیت فرد برای همسر از جمله منابع ارزشمندی است که در توزیع قدرت در خانواده نقش مهمی دارد (ریتزر، 1979). در پژوهش حاضر منظور میزان جذابیت زن برای همسرش (از دیدگاه خود زن) است، که این متغیر نیز در سطح اسمی سنجیده می شود.

روش پژوهش

روش این پژوهش پیمایش¹ بوده است. جامعه آماری زنان متأهل 50-20 ساله ساکن شهر جیرفت بوده است. طبق نتایج سرشماری سال 1385 تعداد زنان متأهل ساکن در شهر جیرفت 23722 نفر است. با قرار دادن این عدد در جدول لین (1978)، در سطح معناداری 95 درصد و با خطای 5 درصد حجم نمونه 381 نفر تعیین شد، که جهت اطمینان بیشتر 400 نفر در نظر گرفته شده است. زنان متأهل از طریق شیوه نمونه گیری خوشه ای مرحله ای انتخاب شده اند، به این صورت که ابتدا جامعه آماری مورد نظر به چند منطقه کلی تقسیم شد و سپس از بین این مناطق چند محله به طور تصادفی انتخاب شدند و در مرحله بعد از بین محله های منتخب، تعدادی خانوار به طور تصادفی انتخاب شدند. داده های مورد نیاز با مراجعه پرسش گر به درب منازل پاسخ گویان و با استفاده از ابزار پرسش نامه، جمع آوری شده است. برای جمع آوری داده های سرمایه اجتماعی از پرسشنامه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (غفاری و انق، 1385) و جهت جمع آوری داده های تقسیم کار در خانواده، قسمتی از پرسشنامه ساخت قدرت در خانواده (مهدوی و صبوری، 1385) با

انجام تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. نرم افزار مورد استفاده SPSS بوده و داده ها با استفاده از «رگرسیون ساده»، «آزمون تی» و «تحلیل واریانس» و همچنین «رگرسیون چندگانه» تحلیل گردیدند. متغیر وابسته در این تحقیق تقسیم کار خانگی است، الگوی تقسیم کار یعنی این که کارهای خانگی را چه کسی (زن یا شوهر) و در چه حدی انجام می دهد و توسط طیف لیکرت و با 9 گویه سنجیده شده است. در واقع به وسیله این طیف میزان مشارکت همسران پاسخ گویان در انجام کارهای منزل مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که 16/2 درصد از همسران پاسخ گویان سهمی کم، 70/2 درصد سهم متوسط، و 13/5 درصد مشارکت بالایی در انجام کارهای منزل داشته اند.

یافته های تحقیق

هم چنان که جدول 1 مشاهده می شود 16/0 درصد از پاسخ گویان سرمایه اجتماعی پایین، 66/5 درصد از آن ها سرمایه اجتماعی متوسط و تنها 17/5 درصد از آن ها سرمایه اجتماعی بالایی دارند. هم چنین تنها 13/5 درصد از همسران پاسخ گویان مشارکت بالایی در انجام کارهای خانگی دارند. از مجموع 400 22/0 درصد شاغل هستند، و 78/0 درصد نیز خانه دار هستند.

جدول 1 توزیع فراوانی و درصد سرمایه اجتماعی و الگوی تقسیم کار پاسخ گویان

فراوانی		درصد	
پایین	سرمایه اجتماعی	64	16/0
	الگوی تقسیم کار	65	16/2
متوسط	سرمایه اجتماعی	226	66/5
	الگوی تقسیم کار	281	70/2
بالا	سرمایه اجتماعی	70	17/5
	الگوی تقسیم کار	54	13/5

یافته های استنباطی

در اینجا به بررسی فرضیه ها تحقیق با استفاده از تکنیک های آمار استنباطی می پردازیم. جدول 2 نشان دهنده تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب وضعیت اشتغال زنان است. بالاترین میانگین مربوط به زنان شاغل (12/90) است و پایین ترین میانگین مربوط به زنان خانه دار (12/01)، که مقایسه این میانگین ها نشان دهنده تفاوت بین زنان شاغل و خانه دار در چگونگی تقسیم کار در خانواده های شان است. وجود تفاوت میان دو گروه با توجه به مقدار T (2/926) در سطح معنی داری 0/004 رد نمی شود.

جدول 2 به بررسی رابطه برخی متغیرهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی با تقسیم کار خانگی می پردازد. هم چنان که یافته های جدول 2 نشان می دهند، هرچه ساخت قدرت در خانواده دموکرات تر باشد تقسیم کار در خانواده نیز دموکرات تر است، به بیان دیگر وقتی که قدرت در خانواده بین زن و مرد تقسیم شود میزان مشارکت مردان در انجام کارهای خانگی نیز بیشتر می شود. این رابطه در سطح معناداری 0/99 درصد اطمینان تایید می شود. هرچه سرمایه اجتماعی زنان نیز بیشتر باشد، همسران شان بیش تر در انجام کارهای خانگی مشارکت دارند، این رابطه در سطح 0/005 درصد معنی دار است.

میزان درآمد پاسخ گو نیز با تقسیم کار خانگی داری رابطه معنی دار است. به بیان دیگر هر چه درآمد پاسخگو بیشتر باشد مشارکت همسر وی در انجام کارهای خانگی نیز بیش تر می شود. این رابطه در سطح معنی داری 0/003 درصد تایید می شود. اما از بین این متغیرها، تحصیلات، تحصیلات همسر پاسخ گو و میزان آگاهی پاسخ گو از حقوق خودش با تقسیم کار خانگی رابطه معناداری نداشته اند.

جدول 2. تاثیر متغیرهای اقتصادی. اجتماعی. فرهنگی بر تقسیم کار در خانواده

متغیر	همبستگی	ضریب تعیین	بی	بتا	F	معنی داری
ساخت قدرت	0/193	0/035	0/025	0/193	15/429	0/000
سرمایه اجتماعی	0/141	0/017	0/015	0/141	8/054	0/005
درآمد	0/147	0/019	2/06	0/147	8/763	0/003
آگاهی از حقوق	0/061	0/001	0/036	0/061	1/491	0/223

شماره دوم	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی زنان و تقسیم کار خانگی...					97
تحصیلات همسر	0/001	-/003	0/000	0/000	0/000	0/990
تحصیلات	0/040	0/000	0/024	0/040	0/628	0/429

جدول 3 نشان دهنده رابطه بین متغیرهای جمعیتی با تقسیم کار خانگی می باشد. با توجه به اطلاعات این جدول بین متغیرهای همچون سن پاسخ گو، سن پاسخ گو هنگام ازدواج، سن همسر وی، مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان با تقسیم کار خانگی رابطه معنی دار وجود دارد. به بیان دیگر هر چه سن پاسخگو و همسر وی بیشتر باشد مشارکت همسر وی در کارهای خانگی نیز بیشتر می شود، این رابطه در سطح معنی داری 0/99 درصد اطمینان تایید می شود. همچنین هرچه زنان در سنین بالاتری ازدواج کنند، احتمال اینکه از مشارکت بیش تر همسرشان در انجام کارهای خانگی برخوردار گردند بیش تر می شود (0/009=معنی داری). افزون بر این هر چه سال های ازدواج بیشتر باشد، احتمال این که مردها بیش تر در کارهای خانگی مشارکت کنند نیز بیش تر می شود. این رابطه نیز در سطح معناداری 0/99 درصد اطمینان معنی دار است. متغیر تعداد فرزندان با تقسیم کار جهت عکس دارد، به این معنا که هر چه تعداد فرزندان بیشتر می شود، مشارکت مردان در انجام کارهای خانگی کم تر می شود. این رابطه در سطح معنی داری 0/99 درصد اطمینان تایید می شود.

جدول 3. آزمون رابطه بین متغیرهای جمعیتی و تقسیم کار در خانواده

متغیر	همبستگی	ضریب تعیین	بی	بتا	F	معنی داری
سن	0/306	0/092	0/090	0/306	41/252	0/000
سن ازدواج	0/130	0/015	0/089	0/130	6/894	0/009
سن همسر	0/310	0/094	0/085	0/310	42/389	0/000
مدت ازدواج	0/307	0/092	0/079	0/307	41/322	0/000
تعداد فرزند	0/271	0/071	-0/352	-0/271	31/476	0/000

بررسی تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب نوع رابطه جنسی پاسخ گویان است نشان داد که میانگین پاسخ گویانی که روابط جنسی شان منفعلانه است، 11/94، و میانگین

پاسخ گویانی که روابط جنسی فعالانه دارند 12/53 است. مقایسه میانگین این دو گروه، تفاوت معناداری را بین آن‌ها از لحاظ چگونگی تقسیم کار در خانواده را نشان می‌دهد. مقدار T برابر 2/139- در سطح معنی داری 0/033 نشان دهنده عدم رد این رابطه است.

بررسی تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب میزان وابستگی عاطفی پاسخ گو به همسرش از آزمون T استفاده شده است. بیشترین و کمترین میانگین تفاوت چندان با هم ندارند، بیشترین میانگین مربوط به مردان، و کمترین میانگین مربوط به زنان است. مقدار T برابر با 1/210- است که در سطح معناداری 0/229 نشان دهنده عدم تایید این فرضیه است.

برای تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب میزان زیبایی و جذابیت پاسخ گو برای همسر وی است. با اสมی فرض کردن این متغیر، برای بررسی رابطه آن با متغیر وابسته از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. بیشترین میانگین مربوط به گروهی بوده است که جذابیت شان برای همسر زیاد بوده است، و کمترین میانگین مربوط به گروهی بوده است که جذابیت کمی برای همسرشان داشته اند. مقدار F برابر با 1/741 است که در سطح معناداری 0/140 گویای عدم تایید این فرضیه است.

جدول 4 نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را به شیوه گام به گام برای متغیر وابسته (تقسیم کار) نشان می‌دهد. داده‌های جدول 4 نشان دهنده آن هستند متغیرهای ساخت قدرت در خانواده، تعداد فرزندان، درآمد و سرمایه اجتماعی نسبت به متغیرهای دیگر قدرت بیشتری برای پیش بینی واریانس متغیر وابسته داشته اند. اولین متغیر وارد شده به معادله، ساخت قدرت در خانواده است. که 9/6 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند، با وارد شدن متغیر تعداد فرزندان، توان پیش بینی مدل به 18/3 درصد می‌رسد. در مرحله سوم درآمد پاسخگو وارد معادله شده است. این متغیر به همراه متغیرهای پیشین 19/9 درصد توان پیش بینی متغیر وابسته را دارد. در آخرین مرحله نیز، سرمایه اجتماعی پاسخگو وارد معادله شده است. در این مرحله توان تبیین مدل به 21/5 درصد رسیده است. در مجموع این مدل توانسته است با پنج متغیر 21/5 درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند.

جدول 4. مدل رگرسیون چندگانه به روش مرحله به مرحله

مرحله	متغیر	همبستگی	ضریب تعیین	F	معنی داری F	بتا	تی	معنی داری تی
1	ساخت قدرت	0/310	0/096	42/340	0/000	0/444	6/657	0/000
2	تعداد فرزند	0/428	0/183	44/503	0/000	0/303	6/681	0/000
3	درآمد	0/446	0/199	32/761	0/006	0/156	3/310	0/001
4	سرمایه اجتماعی	0/464	0/215	27/051	0/005	0/195	2/854	0/005

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف سنجش رابطه سرمایه اجتماعی زنان و تقسیم کار در خانواده و بر اساس نظریه های سرمایه اجتماعی انجام شده است. اطلاعات این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه جمع آوری شده است. متغیر مستقل اصلی در این پژوهش سرمایه اجتماعی بوده است، که در سه سطح، سرمایه اجتماعی برون گروهی، درون گروهی و ارتباطی سنجیده شده است. پس از تلفیق شاخص های سه گانه سرمایه اجتماعی یک شاخص کلی ساخته شد، این شاخص نشان می دهد که 16/0 درصد از پاسخ گویان سرمایه اجتماعی کم، 66/5 درصد از پاسخ گویان سرمایه اجتماعی متوسط و تنها 17/5 درصد از پاسخ گویان سرمایه اجتماعی بالایی داشته اند.

نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان می دهد که متغیرهای درآمد، سرمایه اجتماعی، سن و سن همسر، با الگوی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار و مثبت داشته اند. این یافته با نتایج تحقیق خواجه نوری (1376) هم خوانی دارد، نتایج تحقیق او نشان داد که سرمایه اجتماعی می تواند تاثیر زیادی در چگونگی تقسیم کار در خانواده داشته باشد. اما این یافته ها با نتایج تحقیق زیپ (2006) هم سویی ندارد، نتایج تحقیق او نشان می - دهد که حتی اگر زنان درآمد بیش تری از شوهران خود داشته باشند، این زنان هستند که با راهکارهای شوهران خود بیشتر موافقت نشان می دهند. هم چنین این یافته ها با نتایج تحقیق منصوریان و قادری (1374) هم سویی دارد، نتایج تحقیق آن ها نشان داد که الگوی تقسیم کار در خانه تحت تاثیر سن شوهر نیز هست.

اما تعداد فرزندان پاسخگو با متغیر وابسته دارای رابطه معنادار و منفی بوده است. به این معنا که هر چه تعداد فرزندان پاسخگو بیشتر باشد، همسران آن‌ها در انجام کارهای خانگی مشارکت کم‌تری دارند. همچنین متغیرهای تحصیلات، تحصیلات همسر، درآمد همسر، آگاهی پاسخگو از حقوق خود، با الگوی تقسیم کار رابطه نداشته‌اند، به این معنا که در جامعه آماری تحقیق برای انجام کارهای خانگی به شیوه سنتی، بین زنان تحصیل کرده و تحصیل نکرده تفاوت چندانی دیده نمی‌شود و حتی تفاوتی نمی‌کند که تحصیلات و درآمد همسر او در چه حدی باشد و نیز بین زنانی که از حقوق خود آگاهی دارند و آن‌هایی که از حقوق خود آگاهی ندارند هیچ تفاوتی در این خصوص دیده نمی‌شود. در هر حال این زن است که با هر درجه تحصیلی و هر میزانی از آگاهی و تفکر، انجام کارهای منزل وظیفه خاص و منحصر به فرد وی تلقی می‌شود، چرا که این تکلیفی است که جامعه برای وی تعریف کرده و لاجرم و به جبر فرهنگ باید بپذیرد. در این خصوص شاید بتوان گفت این جبر فرهنگی تا حدودی ریشه مذهبی نیز داشته باشد. این یافته با نتایج تحقیق منصوریان و قادری (1374) هم خوانی ندارد، نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که الگوی تقسیم کار در خانواده‌های پاسخگویان متأثر از میزان تحصیلات زنان بوده است.

در توضیح مطالب فوق، می‌توان گفت که گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، فقط بخشی از نظام هنجاری مربوط به خانواده و نقش‌های زن و مرد را تغییر داده، و حداقل در جامعه آماری تحقیق بخش دیگر همچنان به قوت خود باقی مانده است، با این توضیح که بخشی از نظام هنجاری که مربوط به حضور زنان در صحنه اجتماع و اخذ جایگاه‌های اجتماعی است تغییر کرده، اما همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برخلاف همه این تحولات، تعریف از نقش‌های زنانگی، به خصوص انجام کارهای خانگی همچنان به قوت خود باقی است. به عبارتی از این منظر کسب فرصت‌های اجتماعی در الگوی تقسیم کار در خانواده تأثیر چندانی نداشته است، و انجام کارهای خانگی هم چنان وظیفه خاص و اصلی آن‌ها تلقی می‌شود. چرا که علیرغم فرایند گذار هنوز در شهرها و جوامع کوچک‌تر کشورمان، نظیر جامعه آماری تحقیق ارزش‌ها و هنجارهای رایج در خصوص تعریف از نقش‌های

زنانگی و مردانگی، تقریباً هنوز به شکل سنتی مورد پذیرش است و ارزش های جدید دنیای مدرن آن چنان قدرت عام نیافته و مورد پذیرش عمومی قرار نگرفته است.

نهایتاً این که در تحلیل چندگانه رگرسیونی، به روش گام به گام از میان همه متغیرهای مستقل، چهار متغیر وارد این معادله شده اند. که به ترتیب عبارتند از: ساخت قدرت در خانواده، تعداد فرزندان، درآمد و سرمایه اجتماعی پاسخگو که نسبت به متغیرهای دیگر قدرت بیش تری برای پیش بینی متغیر وابسته داشته اند. از بین این متغیرها ساخت قدرت در خانواده، توان بیش تری برای پیش بینی متغیر وابسته داشته است. به این معنا که زنانی که قدرت بیش تری در خانواده داشته اند، همسران آن ها بیشتر در انجام کارهای خانگی مشارکت داشته اند.

دومین متغیر وارد شده به معادله، تعداد فرزندان است که جهت عکس با متغیر وابسته دارد، به این معنا که هر چه تعداد فرزندان پاسخ گو بیشتر باشد، همسران آن ها در انجام کارهای خانگی مشارکت کمتری دارند. در توجیه این مطلب می توان گفت که به نظر می رسد زنانی که فرزندان زیادتری دارند، در واقع آن دسته از زنانی هستند که سرمایه اجتماعی، تحصیلات و آگاهی کم تری از حقوق خود دارند و بنابر این همانطور که یافته های تحقیق نشان می دهد در خانواده های آنان، انجام کارهای خانگی وظیفه خاص و منحصر به فرد زن تلقی می شود.

در توجیه درآمد پاسخ گو طبق چارچوب نظری تحقیق می توان گفت که هرچه زنان منابع اقتصادی بیشتری داشته باشند، می توانند از آن برای پیش برد اهداف و موقعیت های خود در روابط خانوادگی شان استفاده کنند. این یافته ها با نتایج تحقیق زیپ (2006) هم سویی ندارد، نتایج تحقیق او نشان می دهد که حتی اگر زنان درآمد بیشتری از شوهران خود داشته باشند، این زنان هستند که با راهکارهای شوهران خود بیشتر موافقت نشان می دهند.

در خصوص سرمایه اجتماعی نیز، طبق چارچوب نظری تحقیق باید گفت که سرمایه های اجتماعی، فرصت ها و جایگاه هایی که افراد دارند، در واقع در حکم منابعی برای رسیدن به اهداف شان هستند که می توانند از آن ها در روابط خانوادگی نیز استفاده کنند. بی عدالتی جنسیتی یکی از مهم ترین مشکلات و مسائل موجود در جامعه می باشد که می تواند توسعه اجتماعی و نظم جامعه را تهدید کند. بخشی از این تحقق سرمایه های اجتماعی زنان را بررسی می کند، یافته های تحقیق نشان داد که بیشتر زنان سرمایه های اجتماعی چندانی ندارند.

هنوز در بسیاری از لایه های اجتماعی جامعه ما نظیر جامعه آماری تحقیق، نگرش سنتی و تبعیض آمیز نسبت به زنان و جایگاه آنان وجود دارد و موانع بسیاری در راه محقق شدن شرایط رشد و شکوفایی قابلیت ها و استعداد های آن وجود دارد. اما با وجود همه این ها می توان گفت که زنان در حال رسیدن به یک آگاهی لازم و درک موقعیت فروتر از خود هستند و از همین رو نسبت به گذشته بیشتر به دنبال کسب جایگاه ها و سرمایه های اجتماعی هستند.

فهرست منابع

- بورديو، پیر (1383). *نظریه کنش، دلایل عمل و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی مردیها. چاپ دوم تهران انتشارات نقش و نگار.
- پاتنام، رابرت، (1380)، *دموکراسی و سنت های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- توسلی، غلامعباس (1383). "تحلیلی از اندیشه پیر بورديو، فضای منازعه آمیز اجتماعی و نقش جامعه شناسی". *نامه علوم اجتماعی*، شماره 23 صص 1-25.
- راعی، سعید، (1385). "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی". *روزنامه سرمایه*، 85/12/17، ص 11.
- غفاری، غلامرضا و نازمحمد انق (1385). "سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی". *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ویژه نامه تغییرات و توسعه اجتماعی در جنوب ایران، دوره اول، شماره اول، بهار 1385، صص. 159-199.

فوکویاما، فرانسیس (1379)، *پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جهان امروز.

کلمن، جمیز (1372)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
گروسی، سعیده (1385). "سرمایه اجتماعی در دست مردان است نه زنان". *روزنامه سرمایه*، 85/7/20، ص. 8.

گرینت، کیت (1382)، *جامعه شناسی کار*، ترجمه پرویز صالحی، تهران: انتشارات مازیار
مقدس، علی اصغر (1374)، "منزلت مشاغل در جوامع شهری ایران" *مجله علوم اجتماعی و انسانی*، شماره 20.

منصوریان، محمد کریم، و فرحناز قادری. "عوامل موثر بر ساخت قدرت در خانواده" *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. ص 269-294.

Acock, A. c., & Walker, A. J. (2004) "Gender Ideology and Investment in Housework." *Journal of Family Issue*, Vol.25, No. 8, 1050-1071.

Beneria, L. (2001): "Shifting the Risk: New Employment Patterns, In formalization and Women's Work", *International Journal of Politics, Culture and Society*, Vol. 15,, No.1.

Bezanson, K. (20006). "Gender and the Limits of Social Capital". *The Canadian Review of Sociology and Antropology*. Nov.pp.427-443.

Bourdieu, p.(2001). *Masculine Domination*. Stanford: Stanford University press.

Coltrane, S. (2000): "Research on Household labor: Modeling and Measuring the social Embeddedness of Routine Family Work. " *Journal of Marriage and the family*, Vol.62, pp.1208-1233.

Diefenbach, H (2002): "Gender Ideologies, Relative Resources, and the Division of Housework in Intimate Relationships: A Test of Hyman Rodman's Theory of Resources in Cultural Context." *International Journal of Comparative Sociology*, Vol. 43, Issue 1, pp.45-64.

Gazso-Windle, Amber, and Juli Ann McMullin. 2003. "Doing Domestic Labour: Stategizing in Gender Domain." *Canadian Journal of Sociology* 28(3): 341-366.

Karen Healy Liz Ayres & Anne Hampshire (2003) *Social Capital and Quality of Life in Geographically Diverse Communiies*, Melborn.

- Lavee, Yoav, and Ruth Katz, (2002), "Division of Labor, Perceived Fairness, and Marital Quality: The Effect of Gender Ideology." *Journal of Marriage and the Family* 64(1): 27-39.
- Lin, N.(2001). *Social Capital: Theory of Social Capital and Action*. Cambridge: Cambridge University press.
- Mason, K. O. & Herbert L. Smith, (2003): "Women's Empowerment and Social Context: Results From Five Asian Countries." [Online]. <<http://www.13323-womens-Empowerment-1.pdf>>. [16 oct 2004].
- Royanian, S. (2003): "Women and Globalization, Iran as a Case Study", <http://women4peace.org/women-globalization.html>.
- Stone & Huges, J (2001) "Sustaining Communities: An Empirical Investigation of Social Capital in Regional Australia" *Paper Presented to SEGRA 2001 fifth national Conference*. 10-12 Septsmbere 2001 Townsville.
- Turner, J. H.(2003). *The Structure of Sociological Theories*. (7....Ed.) Belmont, CA: Wadsworth Thomson Learning.
- UK Partnership for Global Health(2002): "Globalization: Economics and Women's Health." [Onlin].<<http://www.ukglobalhealth.org>>[16 oct 2004].
- Woolcock, Michael and Deepa Narayan (1999) "Social capital: Implications for Development Theory, Research and Policy". *The World Bank Observer*. Vol,15,NO.2pp.225-49.
- Zipp, John F. Prohaska, Ariane and Bemill, Michell (2004). "Wives, husband, and hidden power in marriag", *Journal of Family Issues, Beverly Hills*, Vol. 25, N. 7, Pg. 933.